تاریخ
حُزن الملل
بخارا

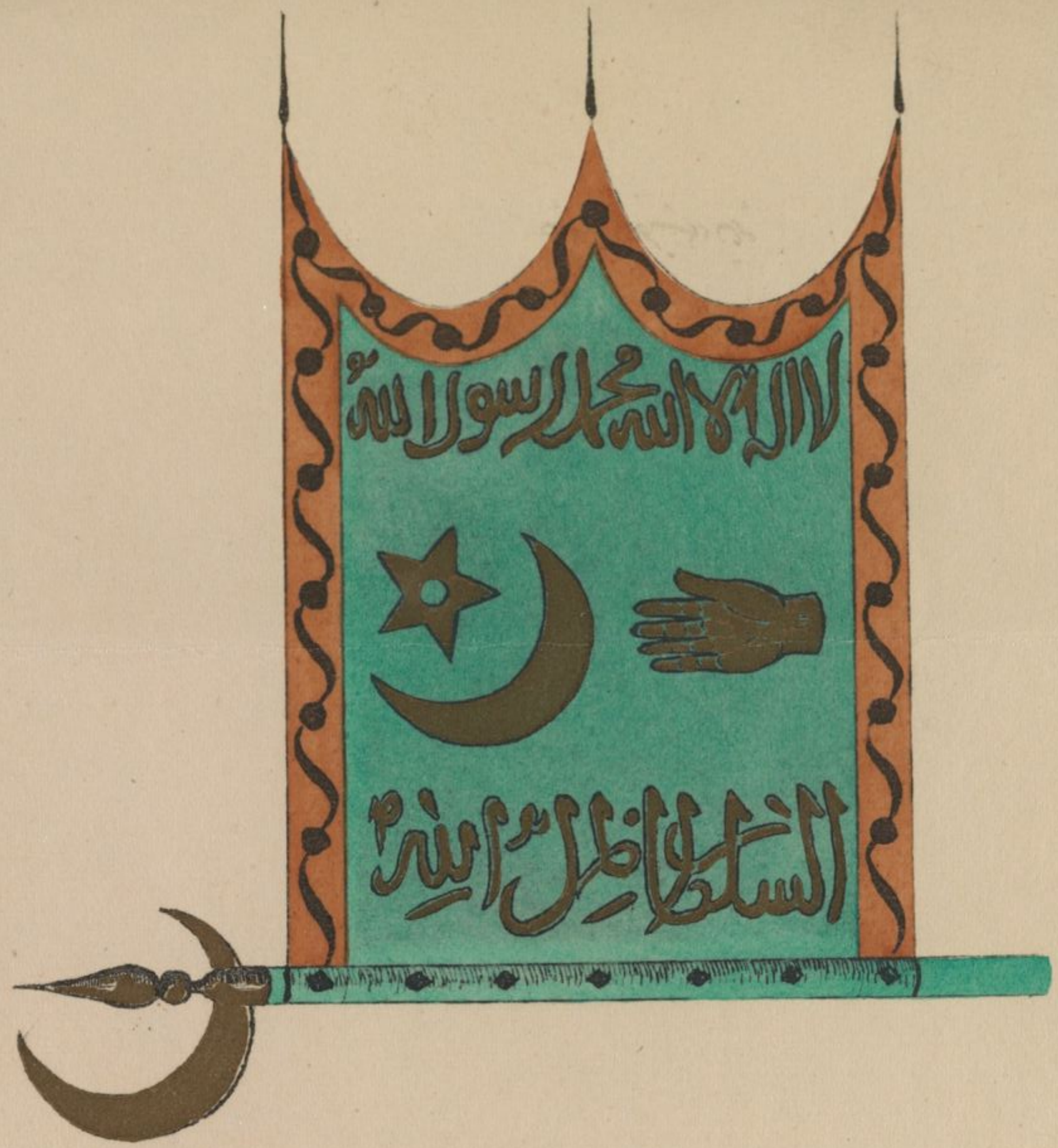
لا اله الا الله محمد رسول الله
السلطان ظل الله

بیرق دولت بخارای شریف

Alam Khan, Amir of Bokharah,

بقلم

اعلیحضرت

امیر سید عالم خان

امیر بخارا

تاریخ خزانة الملک بخارا

بسعی و اهتمام حاجی آل حاجی یوسف مقیم پاریس

در مطبعه برادران مرن نو در پاریس

طبع و نشر

گردید

1921

LC Control Number
2002 362443

ارک سلطنتی دولت بخارا

LC Control Number
2002 362443

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العلمین و الصلوه و السلام علی رسوله
محمد و آله و اصحابه اجمعین اما بعد بر خاطر احباب
دانش و بر خواطر ارباب بینش پوشیده مباد
که منکه خادم فدوی ملت نجیبه بخارای شریف
سید امیر عالم خان حکمران ملک بخارا بودم ؛
کیفیت احوال و سرگذشت خود را از زمان خورد
سالی تا زمان سلطنت در پایتخت بخارا و محاربه
که همراه بلشویک نموده و حکایات هجرت خود را

که بدار السلطنه کابل کرده ام در سلک تحریر در آورده بیان
نموده تاریخ خرن اللل بخارا نام نهادم تا که قارئین و
ناظرین از بیان حالات این بنده و سلطنت که در
پای تخت بخارا و تعلقات آن نموده و محاربه همراه
ملوک کرده و هجرت در افغانستان نموده ام را
مطلع گردیده بدیده انصاف نظر نمایند
و طوطی ناطقه لسان را در شاخسار بیان چنین در ترنم
میآورم که چون این بنده درگاه اله سید عالم خان
ولد سید امیر عبد الاحد شهریار دار الفاخره بخارای

شریف در اوان استقرار سلطنت حضرت پدر
بزرگوارم بعد از تحصیل علم دینیات را نمودن برای
حصول تعلیم و قانون سلطنت و مملکت داری بدولت
عظمای روس در عمر سیزده سالگی ام در سنه ۱۸۹۳ میلادی
بامر و فرمایش حضرت شهنشاه افخم پدر بزرگوارم همراه
یک چند نفر معتبرین نمکخوران در پیتربرگ عازم گردیده
رفتم از روی تربیت مکتبها باید ۷ سال خوانده شود
بنا بر خواهش پدر بزرگوار زودتر شدن تعلیمات
را سه ساله مقرر کردند در این سه سال ایامهای تابستان

بنابر مکتبها بسته شدن به بخارا بخدمت پدر آمد و رفت
میکردم مدت سه سال تعلیم علوم نظام مملکت را
حاصل نموده ختم کرده امتحان دادم از طرف دولت
عظمای روس بولیعهدی دولت بخارا مرا منصوب
گردانیده در سنه ۱۸۹۱ میلادی از پیتربرگ در بخارای
شریف در نزد ذات شاهانه حضرت پدر بزرگوارم
بازگشتم چون بدست بوسی و ملاقات قبله امجدم
مشرف شدم مرا مدت ۲ سال همرکاب بخدمت
خود نگاهداشته درینمدت بعضی تعلیمات داخله وطن

بمقدس بحروسهٔ خود را از لسان مبارک خود تعلیم نمودند
که از آن فوائد زیاد حاصل نمودم و مرا از طرف ذات
شاهانه پدر بزرگوارم بحکومت ولایت نسف که
یکی از توابعات بخارای شریف بود مرحمت فرموده
سرافرازی بخشیدند که خلعت شاهانه را در بر و منشور
خسروانه را بر سر نهاده با جازه پدر بزرگوارم عازم
ولایت مذکور گردیدم که اعیان خواص و عوام
ولایت مذکور استقبال کرده ملاقات نمودند
و من نیز احوالپرسی نموده سرافراز مراحم خود گردانیده

داخل قورغان ولایت نسف شده همه کلان سوند کلنرا
مارکاد داده خورسند و ممنون گردانیدم مدت
حکومت این بنده عاجز در ولایت نسف ۱۲
سال بود در بیمدت حکومتم همیشه بفقرا داری و غریب
نوازی کوشیده داد مظلومانرا از ظالمان ستانیده
بحق افتاده گان ترحم نموده اهالی نفوس ولایت
مذکورا از خود خورسند و ممنون مگردانیدم نزدیک
ولایت مذکور یک دریاقشه نام عبور مینمود که به
گذشتن آن اهالی فقرایان راحتی در تشویش دیده

برای آسایش اهالی بدریای مذکور یک پل از سنگ
آهک بنام خود بنا نمودم که فقیر فقرایان از تشویش
مخلص یافته بآسودگی باشند و دیگر برای بنای مدارس
و عبادتخانه ها سعی موفور بظهور داشتم بعد از این ۱۲ سال
حکومتم ذات شاهانه پدر بزرگوارم مرا در حکومت
ولایت بادیه خوراک مشهور به کرمینه که اینهم یکی از
توابع دار الفاخره بخارای شریف بود انتقال داده
به ذات شاهانه خود نزدیک آوردند از حکومت
ولایت نسف به ولایت کرمینه حکمران گردیدم

در این ولایت مذکور مدت ۱۲ سال حکمرانی نمودم در
این اثنا ذات شاهانه حضرت سید امیر عبدالاحد
خان پدر بزرگوارم بتقدیر الهی سر فنا را از گریبان بقا
بر آورده رحلت نمودند مدت سلطنت حضرت
شهریار ذوالاقتدار پدر بزرگوارم ۲۶ سال بود
در دهم ماه محرم ۱۳۲۹ هجری مطابق ۱۹۱۱ میلادی
تخت سلطنت مروثی رحای پدر مرحوم مغفورم در مسند
پادشاهی نشستم عموم نفوس بخارای شریف باین
بنده عاجز دست بیعت دادند ؛ ؛ ؛

بعد از جلوس این بنده درگاه آله خراج یک له ممالک
خود را بفقرا بان بطریق اعطاء معاف نموده سرافراز
گردانیدم بعد از گذشتن یکسال بانتظام مملکتداری
و فقرا پروری کوشیدم و در بنای انتظام و آبادی
دولت بخارا سعی موفور بظهور آوردم به بنای مدارس
و عبادتخانه ها شغل ورزیدم برای تعلیم هر علوم تردد
بلیغ داشتم در نزدیکی ارک بخارای شریف بالای
حوض بنامند بنام خود یک مسجد عبادتگاه بنا نمودم
در تحت منار بخارا بدرون بازار یک مدرسهٔ دار العلوم

بنام خود بنا نموده برای تعلیم هر علوم معلم تعین فرموده
برای مصارف و معاش و پوشاک طالبان
در مدرسهٔ مذکور استقامت می ورزیدگی از طرف
خود یکنفر ناظر تعین نموده خوراک و معاش و پوشاک
در وقت معین میرسانیدم و در آبادی اسواق
و طروق خیلی سعی داشته در مدت سه سال خیلی
مملکت بخارا را آباد نموده زیب و زینت دادم
از تردد سعی کوششم نفوس بخارا و ممالک ها خیلی
ممنون بودند بنده شکرانه مینمود مکه برای ملت خود

خدمت از دستم میآمدگی را میکنم بنده عاجز را در
ممالک توران مدت سلطنتم ده سال بود
بعد از انقضای ده سال همراه دولت سویت
جمهوری بلشویک مقدمه نموده اخر الامر بدولت
افغانستان هجرت نمودم

حکایت محاربه بلشویک

حکایت مقدمه همراه بلشویک کردنم و هجرت را
اختیار نمودنم برای یادگار ناظرین تحریر مدارم
تا از احوالات سرگذشت خود واقف گردانم

چون دولت بخارای شریف از عهد سلطنت
خدام سید امیر مظفرخان مغفور الی زمان سلطنت
سید امیر عبدالاحدخان مغفور مرحوم پدر بزرگوارم
تا زمان مدت سلطنت این بنده عاجز در بخارا
بود تا وقت استقرار سلطنت دولت معظم روس
مدت ۴۶ سال این جانب دوستی و آشنائی
بظهور رسیده دوستی دولتین برقرار و بر دوام بود
از آنکه در وقت خدام دولت روس با دولت
بخارا معاهده نموده در معاهده شان از خصوص عساکر

و آلات حربی از بخارا موقوف شده برای اسباب
حرب و عسکریه دولت روس خود ذمه دار
گردیده ۱۲ هزار عسکر مقرر شد برای محافظت مملکت
هرگاه اسباب عساکر لازم میبود از طرف دولت
روس برای دولت بخارا مهیا بود تا زمان بودن
دولت ایمپراطوری بی عسکر و آلات حرب
دولت بخارا هیچ احتیاج نداشته باسوده حالی
حکمرانی نموده و بآبادی مملکتها میکوشیدم بعد از
این چنین انقلاب دولت روس این بنده

درگاه آله سرشته و تردد دولت خود سعی بلیغ
نمودم بنابر تقدیر حضرت خداوندی از
جماعه روس یکچندی مردمان بی اصل و شخصان
جاهل پیدا گردیده رخنه بدولت عظمای روس انداختند
را بخود مصمم نموده مردمان را تکلیف داده هرجا
که باین قانون بی اصل اشخاصی که رغبت داشتند
مجتمع گردانیدن آخرالامر دولت ایمپراطور روس
را از قوای سلطنت فرود آورده از جماعه خودها
چند نفر کلان برداشته حکومت خودها را مجلس شورای

موقتی نام نهاده کرین اسکی نام را رئیس جمهوری
برداشته این دولت موقتی هاشان چند ماه دوام
نمود از طرف حکومت جمهوری کرین اسکی مذکور
پیرا برجنبی نام یکی وکلای آنها وزیر مختار گردیده
در دار الفاخره بخارای شریف آمدنی شده وارد
شد همراه این بنده عاجز ملاقی گردیده گفت و
شنید و معاهده دولتین را اجرا نموده استقلال
دولت بخارا را باین بنده عاجز داد معاهده نموده
امضاء کرد و انس مراجعت نمود ذات شاهانه ام

بعد از استقلال دولت بخارا را حاصل نمودن همراه
دولت افغانستان روابط دوستی و آشنائی
بظهور آورده از طرف دولت بخارا وزیر توره
خواجه و ملا قطب الدّین را بدولت افغان
فرستادم در این اثنا حاجی صفرقی را نیز به نمایندگی
خود نزد کمیسیون انگلیسی در مشهد فرستادم کمیسیون
مزبور نیز جواب موافق داد بعد من به بلشویکها اعلان
کردم که باید بخارا را تخلیه نمایند بلشویکها مقاومت کرده
با عساکر انگلیزی محاربه کردند

اعلیحضرت سید امیر عبدالاحد خان

بعد از استقلال دولت بخارا را حاصل نمودن بمراه
دولت افغانستان روابط دوستی و آشنائی
بظهور آورده از طرف دولت بخارا وزیر توره
خواجه و ملا قطب الدین را بدولت افغان
فرستادم در این اثنا حاجی صفرقی را نیز به نمایندگی
خود نزد کمیسیون انگلیسی در مشهد فرستادم کمیسیون
مزبور نیز خواهش موافق داد بعد من به بلشویکها اعلان
کردم که باید بخارا را تخلیه نمایند بلشویکها مقاومت کرده
با عساکر انگلیزی محاربه کردند

در این ضمن میرزا سلیم بیک بروانچی و عبدالرؤف
کاروان باشی را برای راهنمائی عساکر انگلیزی به
چهار جوی فرستادم ولی بمحض ورود آنها به
چهارجوی عساکر انگلیزی مهاجرت کرده بودند
همینکه دولت افغانستان همراه دولت برطانیه
محاربه تمام نمودن بعد از طرف دولت افغان
جنرال محمد ولی خان وزیر مختار گردیده به دولت مقدس
بخارای شریف آمده ذات شاهانه را هم ملاقات
نمودنی شده از طرف اعلیحضرت امیر افغان تحفه

بسیار آورده باین بنده عاجز تسلیم نموده همراه
وزیر مختار ملاقات نمودم در اثنای مصاحبت
از این بنده عاجز مقصد شخصی سؤال نمود جواب
آن گفتم عین مشوره همین خواهد بود که همراه بلونگ
آغاز حرب نمائیم زیرا که همین فرصت نهایت
دلالت در ضعف دشمن دیده میشود وقت
را غنیمت دانستن لازم لابدی است از آنکه
این وزیر مختار مرصوف شخصی دوستی و هواخواه
دولت اسلام میباشد برای من چنین پاسخ داد

که شما همراه دولت افغانستان یکی هر دو بردار
هستید یکی شما الحال در مقابله دولت برطانیه
کمر بسته آغاز حرب نموده شما هم از انطرف
با دولت بلشویک همین رفتار نمائید مبادا خدانا کرده
بواسطه شما هر دو برادر خدام ملت سبب خرابی دو
دولت بعالم اسلام ظاهر گردد و تعجیل بکار نبرید تا که
دیده شود که کار برادرانتان به کجا انجام خواهد یافت
بعد از آن بصلاح و مشورت همدیگر کار نمائید بهتر خواهد
بود چونکه گفتار این وزیر اعظم عین صواب بود

خیریت خود را بهمین دانستم و این امر را نسلی
خاطر خود داشته چند وقت صبر را پیشه خود ساختم
محمد ولیخان از طرف دولت بخارا به طرف دولت
روس مراجعت نمود اعلیحضرت امیر افغان
بطریق روابط استحکامات دوستی فضل احمد خان
برکد نظامی بمبلغ دو صد نفر عسکریه و یکدسته موزیکه
و ۷ توپ ۷ عدد فیل برای من روانه کردند در
این اثنا برای تدابیر و سررشته مملکتداری به دولت
موقتی جمهوری کرین اتسکی از طرف خود این بنده عاجز

میخواستم که شخص معتمد خود را وفد خود مختار گردانیده
فرستاده تجدیداً معاهده و امضاء نمایم دولت
موقتی مذکور باندک فرصت در بین خودهاشان
انقلاب پیدا گردیده دو قسم شدند یکی منشویک
و یکی بلشویک هر دو جماعه باهم محاربه آغاز کردند
لهذا خیلی در بین ایشان مقابله و مقاتله افتاده
آخر الامر دولت روس در بلشویکی قرار یافته همگی
کلان شوندگان روس بهر دولت پراکنده شده
پناه گزین گردیدند قانون این جماعه بلشویک بهیچگونه

دانسته و دیده نشد چونکه همیشه در تردد و تجسس
این جماعه بخرابی حکومه و ویرانی ممالک و مفقود
نمودن ادیان و عبادتخانه های خود بوده
بهر جا که شخص متعبر و دولتدار میدیدند از هر فرقی
غارت و تاراج نموده قتل او را به خود ها لازم
میشمردند به قول ایشان هم اعتماد کرده نشد در این
اوقات این بنده عاجز سرشته ممالک بخارا را
رجوع نموده سعی و کوشش ورزیدم جماعه ملوک
باین قانون بی اصل و بمذهب باطله و سلوک فاحشه

که قصد صمیمی داشتند اجرا نموده بمرور ایام
این سلوک شنیعه ایشان بدولت مقدس
بخارا سرایت نموده شخصان جاهل و مردمان
بی علم سلوک بی اصل روسیه بلشویک را
مصمم خاطر و باجراء آن سعی داشتند قریباً
۱۱۷ نفر با مردمان سمرقندی و تاشکندی اتفاق
و مجمع گردیده دو نفر از کلان آن جماعه فیض الله
خواجه یوف و میرزا محی الدین منصوراف نامان
بمفسدان بلشویکی مقصود خود را ظاهر داشته معاونت

خواستند جماعه بلشویکی نیز کمک مفسدان جدیدی
شده کالیسوف نام در راه آهن کاکان
بخارا آمده در ماه جمادی الثانی ۱۳۳۶ هجری
بروز شنبه اعلان حرب داده همراه دولت
بخارا محاربه آغاز نمودند بعون عنایت الهی
و بمدد شریعت نبوی با وجود کم اسبابی و آلات
حربی ظفر بجانب اهل اسلام بخارا شده این
بنده ظفر یافت تلشویکان بمطلوب خود نارسیده
رضا بصلح دادند این بنده الصلح خیر را ملحوظ خاطر

داشته اصلاح نموده منعقد گردیدم بعد از این
محاربه از طرف لنین و تروتسکی رئیس بلشویکی
الیاوا و بوروید و نام وزیر مختار گردیده و
به بخارا آمده همراه این بنده عاجز لغت گذار
نموده استقلال تامّه بخارا را برای من داده
و عده اسباب و آلات حربی نموده قبل از
این یکصد سال هر جا که خاک دولت بخارا بود
برای من تسلیم نموده همچنین ۵۰ هزار مسلسل یکصد
توپ پولی موط پنجاه ابر و پلان ۵۰ ملیون صوم طلا

وعده آوردن نمودند و از طرف دولت
سویت اکس روت نام راه دولت
بخارا سفیر تعین نموده بطریق استحکامات
دوستی در مقابل دولت افغانستان امداد
توپ بی عوق برای من بخشش گویان از
تاشکند فرستادند چه بودن معاملات
تلسونکی را از این توپهای بی عوق دانسته شدم
این بنده عاجز معاملات تلسونکی و سفیر آنرا موافق
معاهده شان ندیده و خاطرم محاطره پیدا شده

برای سررشته انتظام عساکر و آلات حربی ؛
تردد و سعی نمودم بفرصت ۲ سال کمابیش
عساکر و آلات حربی در بخارا اندکی جمع آورده
بدرجه انتظام رسانیدم چون جماعه بلشویکی قانون
خود را اجرا نمودند از هر طرف بلشویک ها سر برداشته
مقابله و مقاومت نموده بلشویکی را بی قوت کرده در
اضطراب انداختند راههای آهن روسی را برداشته از
هر طرف که مقدمه ایجاد گردید دولت بلشویکی خیلی ؛
ضعیف گردید این بنده عاجز بخاطرم مصمم داشتم که ؛

جماعه بتوپک اندک قوت حاصل نماید بسته انتقام
خود را از دولت بخارا خواهد گرفت در این اثنا عسکر
خود را حرکت داده اغاز محاربه ایجاد کردنی بودم
حکومت خوارزم هم برای من معاهده نموده در زیر
ادارهٔ من آمده باهم همراه بتوپک محاربه نمودنی
خواهش داشتند مگر دولت بتوپکی زور بزور رو
در ترقی نهاده این معاملات وقت گزشته
قوت گرفت لهذا این بنده عاجز بنابر هوای
زمان یکچند نفر از طرف خود در نزد لنین و تروتسکی

وفد نموده فرستادم تجدیداً معاهده و امضاء نمودنی
شدم بی اعتباری و بی عاقبتی این جماعه را خوب
میدانستم اگر همراه این رنگ حکومت بی اصل و بی
عاقبت معاهده نمایم در نزد دولتهای عظمای خارجه
سبب بدنامی دولت بخارا خواهد شد از خاطر خود
این معنی را دور دانسته فقط بی مطلب و بی مدعا به
طریق مبارکباد بنا بر هوای زمان انقلاب ۵
نفر جنرال مهدیخان حاجی جورابیک طوق سایه غیب الله
خواجه حاجی میرزا نوروزبی و یکنفر دیگر در نزد لنین

و تروتسکی بمسکو فرستادم از بسکه دولت بخارا به
اندک فرصت چیزی بدرجه انتظام دیده شد
و شفقت هم مذهبی اسلامی ما هر دو برادر را جزء
یک بدن ساخت و با دولت افغانستان
معاهده و دوستی اظهار گردید از اینخصوص جماعه
بلشویکی رشک برده اگر چنین دولت بخارا آهسته
آهسته بدرجه انتظام رسیدن گیرد دولت
جمهوری ما یان را بحال پریشانی و مبتلای رنج
کلفت خواهند نمود و حال کم اسبابی لازم که

بسرشته آن کوشیده خود را از این محنت خلاص
نمائیم بعد از این روز بروز معاملات بلشویکی با
دولت بخارا سخت گردیده مطلوب های از غیر
قانون اجرا نموده هر زمان آغاز حرب را پیشه
کرد بموقع از فقرایان بخارا از راه دستگیر نموده محبوس
میساختند آخر الامر دشمنان دولت اسلام عساکر
و آلات حربی را خیلی جمع آورده میخواستند که در
بخارای شریف قصد هجوم نمایند این بنده عاجز
در مقابله دشمن عساکر خود را مهیا نموده جمع آورده

بهر اطراف ایستگاه خط آهن کاکان بخارای
شریف مسلح گردانیده انتظام نمودم قوم ملسونکی
چاپلوسی های زیاد نموده رابطهٔ دوستی اجراء
کرده لباس مکر و فریب در بر کرده سر تدبیر از
گریبان شیطنت و فتنه بر آورده از برای اصلاح
یکنفر برانوف نام وزیر خارجیه وکیل مختار نموده
از تاشکند فرستادند وکیل مختار مذکور در نزد این
بنده بحاضر آمده ملاقی شده عذرخواهی کرده گفت
و شنید و معاهده نموده التماس نمود که دولت

اعلیحضرت سید امیر عالم خان

بهر اطراف ایستگاه خط آهن کاکان بخارای
شریف مسلح گردانیده انتظام نمودم قوم ملسونکی
چاپلوسی های زیاد نموده رابطهٔ دوستی اجراء
کرده لباس مکر و فریب در بر کرده سر تدبیر از
گریبان شیطنت و فتنه بر آورده از برای اصلاح
یکنفر برانوف نام وزیر خارجه وکیل مختار نموده
از تاشکند فرستادند وکیل مختار مذکور در نزد این
بنده حاضر آمده ملاقی شده عذرخواهی کرده گفت
و شنید و معاهده نموده التماس نمود که دولت

روس از اوان ۵۵ سال اینجانب با دولت بخارا
دوستی و آشنائی نموده تا حال دولت ما بان از
دولت بخارا منفعت های کلی دیده هیچ ضرری در
بین دولتین واقع نشده میخواهیم که بعد الیوم هم درین
دولتین دوستی و آشنائی بظهور رسیده از
دولت شما اعانت و منفعت یابیم هر قدر حدمت
دولت شما باشد دولت جمهوری ما بان به تقدیم
میرسانیم لکن رجا مندیم که عساکر خود را از بندرات
خط آهن باز دارید تا که ما بان استحکامات بندرات

خود را خواهیم نمود عساکران مایان مردمان وحشی
و نادان هستند مبادا عساکر شما را دیده مقابلیت
نموده باعث شرمساری مایان در نزد ذات
شاهانه شما نگردد هر چیزی که خواهش و رضامندی شما
باشد بر جا خواهیم نمود باین گفت و شنید معاهده و
امضاء نموده بجای خود مراجعت نمود یکچند نفر از
فقرایان راهگذر را دستگیر نموده نگاه داشته بودند
که آنها را رخصت داده فرستادند ؛

این بنده عاجز از بندرات مذکور عساکر خود را مقدار

سه میل راه از اطراف ریل تعاقب نموده استحکام
کردم و در مندرات مذکور بقدر ۴۰ نفری قراول گذاشتم
که شاید باین مواساها فقیر فقیرایان از زیر ظلم دشمنان مخلص
خواهند یافت دشمنان تا اهتمام باین نیرنگ مرا
غافل ساخته بدون اعلان حرب بی خبر بمثل قطاع الطریق
شب یکشنبه ۱۵ ذی الحجه ۱۳۳۹ ساعت ۱۲ شب در
بالای مستحفظان و پیره داران آمده هجوم نموده همگی قراولان
که در اطراف خط راه آهن بهر جا مأمور بودند تقریباً ۱۵۰ نفر
را بندی کرده در همان وقت در بالای عساکران بخارا

مراجعت نموده قصد هجوم کرده محاربه آغاز نمودند تا
وقت ساعت ۲ بعد از نصف شب خلق عساکر و
آلات حربی جمع نموده توپ زنی و تفنگ برانی
با عرابه های آهن پوش و موترهای آهن پوش
آغاز محاربه نمودند ۱۱ عدد طیاره در بالای شهر بخارا در
هوا در پرواز آورده بومبه باران نمودند این بنده
عاجز مجبوراً که خود را پیش برآورده رضا به
تقدیر الهی داده مدتی چهار و شنبه روز محاربه بمردم
در این اثنای محاربه دشمن قریباً نصف شهر بخارا را

به توپ و بلمرت بومبه باران آتش داده
تلفات زیاد نموده مسلمانان بیچارگان گریان و
پریشان از دست دشمنان مال انجام زن و
فرزندان خود را پرتافته حیران هر طرف پراکنده
شده میرفتند با وجود آن این بنده عاجز همه شب
و روز همراه دشمن محاربه و مقاتله نمودم از بسکه تلفات
و خرابی به کثرت عوق توپ بمبه باران در شهر بخارا
زیاده شده فقرایان بیچارگان در تشویش افتادند
بخاطر خود اندیشه نمودم که آیا این بنده عاجز از این

بلده بخارای شریف هجرت را اختیار کنم باعث
تسکین خرابی گردیده فقیر فقرایان بیچارگان از این
حیرانی و اضطراب رو به آسایش مینهاده باشند
یوم چهارشنبه ۴ بعد از ظهر بسواره پایطون موافق سنت
حضرت رسول صلی الله علیه وسلم هجرت را اختیار
نموده از باغ شاهی ستاره ماه خاصه برآمده بطرف
تومان کامات و خرقان رود یعنی غجدوان روانه
گردیده در آن وقت همرکابم عبدالشکور خان سفیر افغانی
و برکه نظامی محمد اسلم خان میرشکار سفیر تاشکند و قاضی عسکر

افغان و بیست و پنج هزار نفر عمله و عسکریه بخاری و عساکر
افغانی همراه بودند آمده بتومان غجدوان رسیده
آنشب اقامت ورزیده بشنیدن هجرتم فقیر فقرا تان
معه زن و فرزندان گریان نالان از تعاقب افتاده
بگاهی روز پنجشنبه مذکور در غجدوان تفرشخانه ام رسیده
تخمیناً ده هزار نفر زیاده همگی بغلغله و گریندگی روز فراق
را بنظر خود مشاهده نموده خودها را بر زمین میزدند بعضی
اشخاص در این غم و اندوه جدائی لابه تقدیر الهی
جان بحق تسلیم نموده برحمت خداوندی مشرف شدند

این بنده عاجز در این بیچارگان الم رسیده نصیحت
و دلبرداری نموده تسلی داده در هر بیچارگان دعا نموده
و در حق خود دعا گرفته فقیر فقرا این بیچارگان مأیوس
و انتظار مانده ارادهٔ شرقی بخارا نمودم بمدت ۸ روز در
ولایت قورغان تپه تابع بخارا رسیده یک ده روز
در آنجا ایستادم هنگام عبور از غجدوان ناگهان
عرابه واگون آهن پوش پیدا شده و راه را بر روی
بینوایان بست در آنموقع چند نفر از بزرگان و اطرافیان
من از قبیل عثمان قوچ بیکی قاضی القضاه برهان الدین

رئیس عبدالرؤف کاروان باشی یوسف بی مقیم بی
دستگیر شدند از ولایت مذکور در تردد استحکام راه
دشمن گردیده عساکر و فقرایان را جمع آورده از
بندر موضع در بند تابع ولایت بالیون پیش دشمن
را استحکام نموده شروع محاربه را ایجاد نموده واپس
دولایت حصار شرقی بخارا آمده ایستادم از ولایت
حصار مدت شش ماه همراه بلشویک محاربه و مقاتله
نمودم در بالای محاربه وزیر حرب تغانی ام محمد سید
بیک پروانچی و مأموران محاربه عبدالحفیظ پروانچی

ابراهیم بیک بی سر عسکر نظامی بودند در اینمدت
ششماه خیلی محاربه و مقاتله شده آخر الامر جماعه بلشویکی
بسرشته محاربه مذکور مجبور مانده از مسکو خیلی عساکر و آلات
حرب جمع آورده یکباره در بالای لشکر به اسلام
هجوم نمودند از بسکه اسباب و آلات حربی در
عسکران اسلام کم بوده مدت ۱۰ روز محاربه و مقاتله
نموده ثانیاً بنده عاجز در تردد اعانت و امداد از
دولهای خارجه نموده از ولایت حصار به ولایت
کولاب گذشته در ولایت مذکور ملا محمد ابراهیم بیک

دیوان بیگی و دولتمند بیک دیوان بیگی سرلشکر از
جماعه از بیگیه شرقی بخارا بود خیلی بدولت بخارا خدمتهای
لایق و جان سپاریهای صادق نموده رضامندی
این بنده عاجز را باز یافت کرده بود لشکر با موصوف
ها را بحضورم واصل گردانیده سپارش نمودم که این
بنده عاجز بدار السلطنه کابل رفته تردد امداد کمک
سعی نمایم اگر از جائی برای من کمک و اعانت
رسد تا سررشته آنرا دیده آمدنم شما همراه عساکران
خود پیش دشمن را نگاهداشته بسررشته ایستید

حالا هجوم دشمن زیاده شده ایستاده است
اگر بندران سرشته نیاید تشویش فقیر فقرایان
خواهد شد تا رسیده آمدن من فقیر بیچارگان
بآسوده حالی باشند این امرها را تعیّن نموده
بجاهای معین فرستادم محمد ابراهیم بیک دولتمند
بیک موصوف برخصت من مراجعت نموده
بندرات راه دشمن را استحکام نموده خود این بنده
عاجز از بالای ولایت کولاب از گذرگاه درقد
از دریای آمویه یوم چهارشنبه ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۳۹

عبور نموده داخل خاک افغانستان گردیدم برکد
نظامی مأمور سرحد افغانستان عسکر خود را نظام کرده
باستقبال پیش برآمده سلامی کرده در موضع
عبدالنظر بیگی تابع رستاق قونوش تیار کرده
کرده بوده اند که در آنجا استراحت نموده یوم پنجشنبه
۲۳ ماه مذکور برستاق رسیدم محمد اعلم خان
برکد مذکور تخمیناً سه صد نفر از عساکر خود را باستقبال
پیش برآورده یازده توپ سلامی نموده بعزت
داری داخل رستاق شدم مدت ۲ شب در آنجا

گذرانیده خبر گذشتنم را بحاکم قطفن فرستاده
یوم شنبه ۲۵ ماه مذکور از رستاق عازم قطفن
گردیدم پسر نایب الحکومه همراه یکچند نفر معتبرین آن
ولا باستقبال پیش برآمده در اثنای راه همراه
این بنده عاجز نموده ملاقات نموده همراه بطرف
در الحکومه روانه گردیدیم محمد اکبر خان نائب الحکومه
مذکور و مین بین خان نائب سالار عسکری با توپ
موزیکه تخمین یک فرسخ پیش برآمده استقبال
نموده ۲۱ توپ سلامی کرده همراه من ملاقات کرده

یوم چهارشنبه ۲۹ جمادی الثانی داخل دار الحکومه قطغن
گردیده در باغ شاهی حیات آلاباد محل سکونت
مرا قرار دادند مدت ۳۵ روز در آنجا سکونت
ورزیدم در این اثنا از طرف اعلیحضرت امیر امان الله
خان امیر افغان محمد اسلم خان میرشکار که بخدمت
این بنده عاجز چند مدت بود و بلدیت داشت
برای مهمانداری مقرر نموده فرستاده بنا بر تسلی
خاطر از طرف خود خط کرده مرا بدار السلطنه کابل
در نزد خود تکلیف نمودند که باهم ملاقات کرده برای

شرسته کارها کوشش نمائیم در وقتیکه این بنده عاجز
از دریای آمویه بطرف افغانستان عبور نمودم تا
تخمیناً سه صد نفر از نوکریه معتبرین بخارا همراه من گذاشته
بودند و نیز برای طرف داری ام از هر گذرگاه
دریای مذکور مردمان تخمیناً یک لک نفر گذشته
در نزدم جمع آمده بودند ازین جماعه تخمیناً پنجصد نفر
از جمله اشراف اهالی بخارا همراه خود گرفته دیگر
آنها را بهر جای تابع افغانستان تعین نموده
خود همراه پنجصد نفر مذکور اراده دارالسلطنه کابل نمودم

جنرال حاجی یوسف مغیم بای وکیل امیر بخارا

شرسته کارها کوشش نمائیم در وقتیکه این بنده عاجز
از دریای آمویه بطرف افغانستان عبور نمودم تا
تخمیناً سه صد نفر از نوکریه معتبرین بخارا همراه من گذاشته
بودند و نیز برای طرف داری ام از هر گذرگاه
دریای مذکور مردمان تخمیناً یک لک نفر گذشته
در نزدم جمع آمده بودند ازین جماعه تخمیناً پنجصد نفر
از جمله اشراف اهالی بخارا همراه خود گرفته دیگر
آنها را بهر جای تابع افغانستان تعین نموده
خود همراه پنجصد نفر مذکور اراده دارالسلطنه کابل نمودم

مدت چند یوم براه گذرانیده یوم چهارشنبه هشتم
رمضان ۱۳۳۹ بدار السلطنه کابل رسیدم که برای سکونت
بنده عاجز باغ شاهی قلعه مراد بیگی را تیار نموده بودند
که آمده بانجا قرار گرفتم از طرف اعلیحضرت امیر افغان
یک ده نفر از وزرای و امراء بباغ مذکور آمده
استقبال نموده ثانیاً اعلیحضرت امیر افغان این
بنده عاجز را همراه چند نفر از معتبرین خواسته
ملاقات نموده بجمال همدیگر مشرف گردیدم و نیز
دولت افغانستان مدت یکماه مهمانداری نموده

بعد از گذشتن یکماه مبلغ ۱۲۰۰۰ روپیه کاملی برای
مصارف مخارج هر ماهه مقرر نموده اند این بنده عاجز
برای تردد سررشته کار خود سعی و کوشش نمودم
بنابر اراده الهی موافق تقدیر نصیبه تردد هایم کارگر
نشده رسیدن امداد و اعانت از نظر دور بود
لهذا رضا به تقدیر الهی داده به دارالسلطنه کابل
اقامت ورزیدم چون من امانت را اختیار
کردم ذات شاهانه اعلیحضرت امیر افغان از همت
جوب کابل قلعه فتونام باغ شاهی را برای من بخشش

نموده ۱۲ هزار روپیه که برای هر ماهه مخارجم مقرر نموده
بودند چهار هزار و پنجصد روپیه تعین فرمودند
چون وقتیکه از خاک بخارا در افغانستان گذشتم
جماعه بلشویکی پیش آمده همراه محمد ابراهیم بیک
دیوان بیگی موصوف محاربه آغاز نموده مدت
چند روز باین منوال گذرانیده بنا بر قلت اسباب
و زیادتی هجوم دشمن عساکران لشکر باشی مذکور
خودها را بهر طرف در بالای کوه پنهان نموده
بودند دشمن در تردد افتاده فقرایان را از هر جا

دستگیر نموده آورده زیاده ظلم و تعدی از حد
افزون ایجاد کرده اند ملا ابراهیم بیک دیوان
بیگی لشکر باشی موصوف عساکران خود را جمع نموده
سررشته آنها را دیده پیش پیش در هر قریه که دشمن
بآنجا مسکون بود رفته هجوم نموده اسباب و آلات
حربی خیلی جمع آورده فقرایان و مظلومان را خبر
داده باندک فرصت قریباً یک ده هزار نفر
جمع آورده در بالای ممالک کولاب و بلجوان
هجوم نموده این دو ولایت را از دست دشمن

محلاض داده مصرف گردیده بدار السلطنه کابل
باین بنده عاجز کیفیت احوال خود را نوشته
با همراهی یکجند نفر از سرداران عسکره خود فرستاده
مذکوران در نزد من رسیده کیفیت احوالات
و خدمتهای ملا ابراهیم بیک موصوف را رسانیدند
در این اثنا ابراهیم بیک دیوان بیگی خود
در بالای ولایت قرای یکتن و دارو از رفته
هجوم آورده این ۲ ولایت را هم متصرف شده
این کیفیت خود را برای من اطلاع داده فرستاد

از این غیرت و مردانگی ملا ابراهیم بیک مرصوف
خیلی ممنون گردیدم از طرف خودم ما ابراهیم بیک
مذکور منصب رفیع بخشیده احکام برای محاربه
نموده اجازت دادم ابراهیم بیک مرصوف
مدت ۷ سال همراه بلبویک محاربه براه ملت
اسلام و براه این بنده حاضر نموده در آشنای
محاربه دلاوری تا نمودگی و کارزار کرده گی خود
را همیشه برای من اطلاع میداد
چون ملا ابراهیم بیک مرصوف بعد از احکام

مرا بدست آوردن لشکر که خود را جمع آورده در بالای
ولایت حصار رفته مقدمه نموده جنگی مقابله و مقاتله
کرده آلات حربی و خزانه غنیمت گرفته ارک
ولایت حصار را محاصره نموده باین بنده عاجز
احوالات خود را اطلاع داده مجاهدان حدت
کرده خود را معلوم نموده بود که این بنده عاجز برای
مجاهدان راه اسلام منصب رفیع و ترقی درجات
ایشان را فرمان مهر و امضاء خود ترداده نمودم و
هر بار از برای احوالپرسی از طرف خود از دار السلطنه

کابل یکنفر دو نفر آدم فرستاده احوال میگرفتم که
از طرف من رفته احوالپرسی نموده میآمدند ابراهیم
بیک موصوف هیچ امورات کار خود را بی اجازت
من اجرا نمیکرد در این اثنا ولایت حصار
را محاصره نمودن از طرف بخارای شریف انور پاشا
ترک همراه ۲۷ نفر ترکیه بطرف شهر بخارا آمدنی
شده در ولایت فرغانه پیه در نزد عساکران
مجاهدان رسیده عساکران مذکور این کیفیت
آمدن انور پاشا را بملا ابراهیم موصوف اطلاع

داده اند و لشکرباشی موصوف این معنی را باین
بنده راجع داشت موقوف برضای من گذاشته
کیفیت را و تشریف فرمائی داماد خلیفة المسلمین
سلطان رشاد خان خامس را نوشته فرستاد
من از این خبر واقف گشته با براهیم بیک
فرمان نوشتم که انور پاشا در خصوص محاربه شخص
صاحب تدبیر و کارگذار بوده لازم که شما بعزت
داری در نزد خود آورده پرسید اگر جدیت
ملت اسلام را خواهش داشته باشد از طرف ذات

عالی ما وکالة خدمت والا بخوبی از دریا گذرانیده
باین صوب روانه نمائید از روی فرمان این
بنده ملا محمد ابراهیم بیک عساکران مجاهدان
را جمع آورده استقبال کرده بعزت داری
انور پاشا را در نزد خود آورده خصوص مقصد شخصی
او را استفسار نموده انور پاشا خواهش خدمت ملت
اسلام نموده همراه ابراهیم بیک مذکور به
خدمت مقید گردید و نیز ملا ابراهیم بیک موصوف
در ولایت حصار هجوم آورده کامیاب گردیده

خیلی از ولایت مذکور خزانه و آلات حربی غنیمت گرفته
ولایت مذکور را بخود مرکز نموده در بالای ولایت
ده تو تا بسون خزار شیرآباد قرشی حرکت کرده
کیفیت احوالات خود را باین بنده عاجز اطلاع
داده و من از طرف خود برای ابراهیم بیک موصوف
یک قطعه رضانامه و یک قرآن شریف و یک
دست خلعت نظامی زردار مرحمت فرموده فرستادم
و سرافراز گردانیدم چون اطراف و جوانب
شهر بخارا و تومانهای بخارا محاربه ابراهیم بیک را

را واقف گشته اهالی فقرایان اطراف شهر
بخارا و تومان غجدوان و پیرمست و وانکند
خواجه عارف و خنقز و غانزه و قراکول قریباً
۱۵ هزار نفر جمع گردیده یک عرض تابع داری
و فداکاری باین بنده عاجز نموده بملا ابراهیم بیک
خط کرده فرستاده بودند ملا ابراهیم بیک
عرضحال آنها را در نزد من فرستاده برای سرداری
آنها از طرف من التماس کرده لهذا عرایض
فقرایانم را منظورم گردانیده ملا عبدالقهار نام

یکی از معتمدین همرکابم را برای سرداری در بالای
فقرایان فداکاران بخارا مقرر نموده از خود جماعه
مذکور یکصد نفر از هر جماعه برای سرکردگی تعیین کرده
از طرف خود فرمان نوشته فرستادم که ملّا
عبدالغفار موصوف برخصت من مراجعت
نموده در شرقی بخارا در نزد ملّا ابراهیم بیک
موصوف رسیده ملاقات کرده از آنجا به
طرف بخارا گذشته در نزد جماعه فقرایان فدا
کاران بخارا رسیده از طرف من احوالپرسی جماعه

مذکور را نموده بعد از آن بسر رشته انتظام آنها کوشیده
همراه بلشویک اعلان محاربه شروع نموده بجان
نثاری برای ملت مفید گردید که انشاء الله محاربه
و کارزاری های فداکاران راه دین بکارای شریف
را تحریر خواهم کرد چون در شرقی بخارا انور پاشا
در نزد ابراهیم بیک مدت یکسال بصدق و
اعتقاد خدمت دین را نموده در این اثنا ها
چند ولایت شرقی بخارا را متصرف گردیده
بخارا را از دست دشمن مخلص داد

ثانیاً ملا ابراهیم بیک با اهالی فقرایان شرقی بخارا
متفق گردیده از برای طلب این بنده عاجز به اعلیحضرة
امیر افغانستان عرضحال نموده هشت نفر از طرف
خودها وکیل کرده بدار السلطنه کابل فرستادند وکیلان
مذکوران داخل کابل گردیده همراه امیر افغان گفت
وشنید نموده عرضحال خود را منظور گردانیده بودند
انور پاشا در این خصوص خواهش نموده بود که حالا تا
شرسته استحکام راه دشمن در شرقی بخارا موافق
قاعده نبوده زیرا که در مقابل ما یان بودگی دشمن ها

از قانون دولتی دولهای عظمای روی زمین انکار
میباشد ما بان همیشه مقید به محاربه میباشیم انشاءالله
هر وقتیکه ولایت بالسون را فتح کرده بتصرف خود
آوردیم از حدود موضع دربند استحکام نموده بعد از
آن پادشاه خود را میآریم باین اصلاح وکیلان
شرقی بخارا واپس بجای خود مراجعت نمودنی
شدند که اعلیحضرة امیر افغان به هر کدام آنها خیلی
شفقت و مهربانی نموده خورسند گردانیده
رخصت دادند که وکلاهای مذکور بجای خودها

نشان سلطنتی بخارای شریف

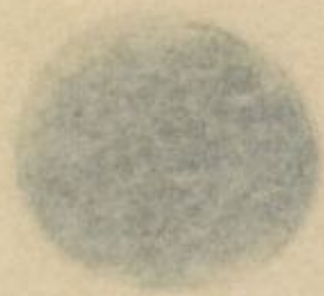

ضرب سکه بخارای شریف

سکه طلای بخارا از هر دو طرف

مهر دولتی امیر بخارا

از قانون دولتی دولهای عظمای روی زمین انکار
میباشد بایان همیشه مقید به محاربه میباشیم انشاءالله
هر وقتیکه ولایت بالسون را فتح کرده بتصرف خود
آوردیم از حدود موضع دربند استحکام نموده بعد از
آن پادشاه خود را میآریم باین اصلاح وکیلان
شرقی بخارا واپس بجای خود مراجعت نمودند
شدند که اعلیحضرت امیر افغان به هر کدام آنها خلعتی
شفقت و مهربانی نموده خورسند گردانیده
رخصت دادند که وکلاهای مذکور بجای خودها

واپس مراجعه نمودند بعد از این کیفیت در دهم
ذی الحجه ۱۳۴۵ هجری شهادت انور پادشاه
بظهور رسیده در بالا بلجوان محاربه افتاده بروز
عید قربان انور پاشا بدرجه شهادت رسیده
جسد او را در موضع چکن بحضرت سلطان نام
زیارت دفن نموده شد و هم دولتمند بیک مرحوم
به آن روز بشهادت رسید از اینجنس
محاربات مردم شرقی بخارا از دشمن واقف
گشته جماعه بلشویک چند مدت به تردد

جمع آوردن عسکر شده ثانیاً در سنه ۱۹۲۵ میلادی
یکباره در بالای ابراهیم لشکرباشی شرقی بخارا
هجوم نموده ۲۵ روز پی در پی محاربه و مقاتله در بین
افتاده روز در جنگ و شب و در شبخون گذرانیده
در این اثنای محاربه ملا ابراهیم بیک موصوف
مظفریت یافته یکچند توپ و پلموت و ۱۸۰۰
تفنگ پنج تیره سه لک عوق میل تیغ ۵ تیره ۲ عدد
موتر آهن پوش جنگی و ۲ عدد ایروپلان از هوا
زده گرفته از درون ایروپلان چند تفنگچه موزور

غنیمت نموده کیفیت مذکور را به این بنده عاجز اطلاع
داده بلشویکان بمطلوب خود نارسیده واپس
شده ابراهیم بیک مذکور نیز در سررشته ممالک
و انتظام عساکر خود کوشیده بعد از چند مدت
در اول سنه ۱۳۴۵ هجری ملا ابراهیم بیک عساکران
مجاهدان شرقی بخارا را بانتظام رسانیده جمع آورده
در بالای ولایت بالسون رفتن را به خود مصمم
گردانیده بود تا
در این اثناها بلشویکان در بالای درقدلب دریای آمویه

عسکر خود را جمع آورده همراه دولت افغانستان
گفت و شنید حدود را نموده کارهای مدگران
اندک سخت گردیده این خبر را ابراهیم بیک
شنیده از رفتن بالای بالسون خود را باز داشته
یکچند نفر سرکرده خود را همراه نصف عساکرش بطرف
بالسون روانه نموده خود ابراهیم بیک با نزده
هزار عسکر همراه گرفته نزدیک حدود افغانستان
برای کمک نمودن دولت افغان در پس کوه
آمده استاده مدة چهل روز انتظار کشیده

بعد از آن معاملات افغانستان و بلشویک فیصله
شده معاهده نموده بشنیدن این خبر ابراهیم
بیک واپس بجای خود رفتن را ارتکاب
کرده بلشویکان از این احوالات خبر یافته همراه
۲۵ هزار نفر عسکر بلشویکی از چند طرف در بالای
ملا ابراهیم بیک هجوم آورده محاربه آغاز
نهاده مدت ۵ شب و روز محاربه و مقاتله
نموده از طرفین زیاده مردم بقتل رسیده بنا
بر هجوم دشمن زیاده شدن عسکریه مجاهدان بهر طرف

پراکنده شده خود را ابراهیم بیک همراه سه صد نفر در
بین بلوچان مانده خیلی زد و خورد نموده اخر الامر
ابراهیم بیک موصوف مجبوراً خود را به دریای
آمویه بسواری اسب انداخته از دریا بطرف
افغانستان عبور نموده باین بنده عاجز گفت
احوالات محاربه و عبور نمودن از دریا معلوم نموده
فرستاد دولت افغانستان به شنیدن
این خبر ابراهیم بیک موصوف را به دار السلطنه
کابل خواسته سه روز مهمانداری نموده برای او بخواه

وجای استقامت معین کرد

ابراهیم بیک بتخواه وجای اقامت را خواهش

نانموده از دولت افغانستان التماس کرد که

من یکی از خدمتگذاران فدائی پادشاه بخارا میباشم

خواهشدارم در نزد ولینعمت خود بروم و باقی

عمر خود را در آستان اوشان گذرانم لهذا

ابراهیم بیک را در نزد من روانه نمودند که همراه

من ملاقات کرده استقامت ورزید برای

مخارج یومیه اش از طرف دولت افغانستان

هر ماه پنجصد و پنجاه روپیه کابلی مقرر گردید

محاربه ملا عبدالقهار در اطراف

بخارا در بین ۴ سال نموده گی

چون ملا عبدالقهار از دارالسلطنه کابل برخصت

این بنده در بالای مجاهدان فداکاران اطراف

بخارا و تومانهای بخارا رفته رسیده بسرشته و انتظام

عسکریه کوشیده در بالای تومان غجدوان محاربه نموده

تومان غجدوان را از دست دشمن مخلص داده به

تصرف خود آورده خیلی از آنجا هم براه دین فدا این بنده

مردم فدائی همراه گردیده اینچنین اطراف بخارا تخمیناً
ششهزار نفر از توتان و آنکند دو هزار نفر از توتان
وغانزه و دو هزار نفر از توتان شافرکان هم دو هزار
نفر از توتان پریست ۲ هزار نفر از توتان خطفر و تقلقه
دو هزار پنجصد نفر از بهاء الدین ۲ هزار نفر از هر جا به این
منوال جمع گردیده قریباً ۲۵ هزار نفر زیاده از هر جماعه
جمع شده از هر فرقی یکنفر دو نفر کلان شونده خودها را به
خودها سرکرده نموده همراه دشمن از توتان عجدوان شروع
محاربه نموده خیلی زد و خورد در بین افتاده در مدت

یکماه از دست بلشویکان ۲ هزار تفنگ ۵ تیره و یک لک
عوق ۵ تیره و یک ده عدد بلموت و سه عدد موتر آهن
پوش حربی غنیمت حاصل نموده تومان ها را بدست
آورده در بالای ولایت تورآتا رفته از آنجا یکچند
نفر کلان شونده پیش برآمده احوالات کیفیت
عسکریه مجاهدین را دانسته خود فقرایان عسکریه را همراه
بولایت تورآتا درآورده بلشویکان شهر را بندی
کرده فقرایان خیلی خورسندی ها نموده خطبه بنام
این بنده عاجز خوانده ملا عبدالقهار از بلشویکان خیلی

اسباب حربی غنیمت حاصل نموده ولایت نورانا
را به خود مرکز نموده سررشته خود را دیده از آنجا در
بالای بخارا یورش کرده در سر پل مهتر قاسم رسیده
در این اثنا عبدالحمید افندی نام وزیر حربیه جدیدان
بخارا همراه ۶۰ نفر از مردم بخاری و ترکیه و از مردم هند با
خیلی اسباب پیش بر آمده ملا عبدالقهار را ملاقات
کرده ششهزار پون انگریزی دو عدد پلموت بخشیده
از ملا عبدالقهار رخصت حاصل نموده بطرف شرقی
بخارا رفته در نزد انور پاشا و ابراهیم بیک دیوان بیگی

آمده عذرخواهی نموده بخدمت مقید گردید

این کیفیت را انور پاشا به این بنده اطلاع نمود

جماعه بلشویک در سرپل مهتر قاسم رسیدن ملا

عبدالقهار را شنیده با جمع عساکر پیش برآمده

آغاز حرب کرده ۲ شب و روز محاربه نموده ملا عبدالقهار

ظفر یافته بلشویکان واپس شده ملا عبدالقهار اطراف

شهر بخارا را محاصره نموده ۶ دروازه بخارا را گرفته بلشویکان

مجبور مانده بخارا را خالی کرده ایستگاه راه آهن

کاگان رفته ملا عبدالقهار بدرون شهر درآمده بقدر

هم ساعت ایستاده از درون شهر بطرف خفره تا
بهاء الدین رفته ده ساعت محاربه نموده انجارا هم
از دست بلشویک مخلص داده از انجارا و بهاء الدین
خیلی ملا عبد القهار غنیمت حاصل کرده کیفیت خود
را برای من اطلاع داده فرستاد که از این کیفیت
مطلع گردیده از خدمت ملا عبد القهار مذکور زیاده
ممنون گردیده برای موصوف یک خلعت نظامی زردار
و یک تفنگچه موزر بخشش فرستادم در این روزها
بلشویکان در اضطراب شده تردد جمع آوردن عسکر

کوشیده از طرف مسکو و تاشکند خیلی عسکر جمع نموده
از هر طرف یکبارگی به ملا عبدالقهار بدکند هجوم آورده
شهر بخارا و بهاء الدین را از دست مجاهدان گرفته
قریباً یکهزار نفر از مجاهدان بدست بلشویکان بند افتاده
در تردد بدست آوردن ملا عبدالقهار بلشویکان خیلی
کوشش نموده شب و روز دست از محاربه نبرداشته
روز بروز هجوم دشمن زیاده گردیده بلشویکان در بین
عسکریه مجاهدان دولت های زیاده صرف نموده
انقلاب انداخته در بین ۲۵ روز دو نفر برادر ملا

عبدالقهار را بشهادت رسانیده قبر فقرایان را
خیلی در اضطراب انداخته خرابی زیاده برپا نمودند
لهذا ملا عبدالقهار از برای آسوده حالی فقرایان خود را
در چول درین قرا قسنان کشیده پنهان نمود که
باعث تخفیف این تشویش و اضطراب فقرایان
خواهد گردید مغولان در بالای توپان ها عسکر زیاده
گماشته بودند که مبادا عسکران طرف دار حکومت
برخواسته حرکت نمایند فقط

این بنده از زمان شهزاده گیم الی زمان سلطنت که در بخارا

شریف معه تعلقات ولایت کردم و محاربه که
همراه بلشویک بنا بر انقلاب زمان نمودم و بعد از آن
هجرت را اختیار کرده بدار السلطنه کابل گذشتم
و نفوس بخارا و تعلقات ولایات آن برای
طرفداریم همراه بلشویک مدت ۷۰ سال محاربه نمودند
بطریق یادگار برای ناظران تاریخم در قید تحریر آوردم
تا که از سرگذشتم مطلع گردند

هر که خواند دعا طمع دارم ❊ زانکه من بنده گنهکارم

تمت

فصل دوّم

یادداشت اعلیحضرت سیّد امیر عالم خان
امیر بخارا که در تاریخ سپتمبر ۱۹۲۷ توسط نماینده
و وکیل مطلق خود جنرال حاجی یوسف بی مقیم بی
بانجمن اتفاق ملل تقدیم گشته است:

جغرافیای طبیعی

مملکت بخارا در سواحل شرقی آمو دریا یعنی از پامیر روسیه
تا دشت وسیع خیوه امتداد دارد پیش از
محاربه روسیه با بخارا ۱۸۶۸ و تصرّف حکومت

بلشویکی ۱۹۲۰ مملکت بخارا از طرف شمال محدود
بصحرای قزل قوم و رود خانه سیر دریا از طرف مغرب
به خاک خوقند از جنوب به افغانستان و از شرق
به بلاد ترکمن و دشت خوه میباشد

نفوس بخارا ۳ ملیون و نیم نفر میباشد و مساحت آن
۲۲۵ هزار کیلومتر مربع است یعنی قریبا برابر با مساحت
ایطالیا است قسمت عظیم نفوس آن از یک
ترکمن قرغز قزاق تاجیک یهودی و عرب هستند
قسمت غربی بخارا بغیر از سواحل امو دریا قابل کشت

وزرع نیست بر عکس نواحی نزدیک به رودخانه
خیلی حاصلخیز است اهالی درّه های قشقه دریا.
سورخان دریا زرافشان کافرنهیک و عیش
بزراعت میپردازند آثار تمدن قدیمی در شهرهای
قرشی کتاب شهر سبز غذار بخارا ضیاءالدین
کرمینه چهارجوی کرکی ناالسون قره تاغ کولاب
بالجوان شیراباد حصار دوشنبه فیض آباد.
وغیره هنوز نمودار میباشد قسمت شرقی بخارا
را کوههای عظیمی که از بلندترین کوههای دنیاست

نوشانده کوه حصار دارای صدین قله است
که بلندی آن ۵۵۰۰ متر میرسد سلسله جبال
مطرکنسر از ۵۵۰۰ تا ۶۱۰۰ متر میرسد کوههای دروازه
تا دشت پامیر امتداد دارد در بخارا یعنی یکی
از قدیمترین ممالک آسیای مرکزی نوه به نوه
شاهزادگان سلطنت کرده اند پای تخت
بخارا صدین قرن پیش از تاریخ میلادی نباشد
و نفوس آن تابش از تصرف ترکها آزاد
آریائی بوده اند در قرن هفتم و هشتم هجری یعنی

هنگام تسلط اعراب شاهزادگان بخاری حاکمان در
بخارا سلطنت میکردند این شهر مرکز سلاطین نامدار
سلسله سامانیان گردید و از وقتیکه اسمعیل مؤسس
سلسله سامانیان (۸۹۲-۹۰۷) ایرا پایتخت قند
ترجیح داد اهمیت آن روز بروز زیادتر گردید
قرن دهم یعنی دوره سلطنت سامانیان عصر
شکوه و عظمت بخارا بود صنعت و تجارت
و فنون مختلفه رو بتوسعه گذاشت پس از مرگ
آخرین پادشاه سامانی (۱۰۰۵) بخارا به

دوباره بدست سلسله های ترک و سلجوقی افتاد.
سپس چنگیز و تیمور لنگ بعد سلسله شیبانیه و استرخانی
و طائفه اوزبک منغت در بخارا حکومت کردند
طائفه منغت از سال ۱۷۸۳ تا ۱۹۲۰ در بخارا
سلطنت کردند آخر الامر بواسطه جور و فشار
حکومت بلشویکی امیر سید عالم خان مجبور شد
که از بخارا هجرت نماید
تشکیلات سیاسی و اداری بخارا :-
مملکت بخارا اگرچه در تحت حمایت دولت

روسیّه بود ولی استقلال قدیمی خود را حفظ
میکرد امراء بخارا بموجب اصول شریعت و
عادت حکومت میکردند علمای اسلامی
بخارا امیر را خلیفه پیغمبر و حامی اصول و شریعت
اسلامی میدانستند زندگانی امیر کاملاً مطابق
شریعت بود و نمیتوانست از آن تخلّف نماید
خانات بخارا تمام از طائفه اوزبک منغت بودند
پادشاهان بخارا در موقع جلوس بنا بعادت
مغول در روی توشکچه متبرکه نشسته سیّدها

وخوجه‌ها و ملّاها او را از زمین بر میداشتند
مملکت بخارا به ۲۸ بیگات تقسیم شده از اینقرار
نورعطا قراکول قباقلی چهارجوی کرکی بوردالیق
کلیف شهرسبز یکّه باغ کتاب غذار
قراتکین بالسون حصار ده نو قورغان
بالجوان کولاب قبادیان درواز و
روشان بیک‌ها و میرها که وظایف شان
در قدیم الایام ارثی بود در زمان امیر سید
عالم خان انتخابی شد

امور سیاسی و اداری بخارا در تحت ریاست یکنفر
موسوم به قوش بیگی اداره میشد مالیه مملکت
در تحت نظر و مراقبت دیوان بیگی بود
مسائل دینی قضائی و تعلیمات عمومی بعهده قاضی
القضاة بود کارهای عسکری در تحت ریاست
توپچی باشی بود و درجات مهمهٔ آن از اینقرار
میباشد: قوش بیگی دیوان بیگی پروانه چی
ایناق داده خواه بی توق سایه
نشان اسکندر ثالث یکی از نشانهای مهمهٔ بود که امیر

بخارا بمنصب داران و افسران نظامی اعطا میکرد
قوای قضائیهٔ مملکت در دست خود امیر بود که بموجب
احکام قرآن و قوانین شریعت اسلامی رفتار میکرد
بموجب قرارداد بخارا با روسیهٔ ۱۸۶۸ اتباع روسیه
از دادن مالیات معاف بودند ولی هر مقدار مال
التجاره که در بازار میفروختند ۲½ درصد از فروش را
بحکومت بخارا میدادند
ثروت طبیعی بخارا: طلا نقره سرب مس آهن در
بخارا بمقدار زیاد یافت میشود مخصوصاً در قسمت

شرقی معادنی موجود است که تاکنون استخراج
نشده درمیان ثروتهای طبیعی نفط ذغال گوگرد
نشادر میباشد تجارت پوست پشم و ابریشم و
قالی صادرات مهمهٔ مملکت را تشکیل میدهد
میوه جات بخارا شهره آفاق است اسبهای
بخارا مخصوصاً نژاد قره به پیر در محاربه ۱۹۱۴ اهمیت
خود را ثابت کردند و امیر بخارا چندین هزار راس
بدولت روسیه داد کله های گوسفند بز و
اسب و شتر بنا به اختلاف فصول در کوهها و چمن

زارها بحر اشغول هستند تجارت عمده بخارا با
ممالک روسیه ایران و افغانستان است
تجارت بخارا با روسیه به نهائی بیش از انقلاب
بلشویکی به ۲۵۰ ملیون فرانک میرسید ولی بدبختانه
نبودن وسائل حمل و نقل مانع بزرگی برای شرفت
تجارت بود معذلک خط رشته خط آهن در
سرتاسر مملکت امتداد دارد
حمله بلشویکها به بخارا: پس از انقلاب ۱۹۱۷ اوریه اولین
قدمهای غاصبانه خود را بلشویکها بوسیله تبلیغات

شروع کردند عناصر ماجراجو هنگامه طلب داخلی
نیز آنها را مساعدت کرده مشکلات زیادی برای
حکومت تولید کردند در دهم مارچ ۱۹۱۸ ملیونها
بخارا حمله کرده ضیاء الدین را متصرف شدند اهالی
بخارا همینکه عملیات حق شکنانهٔ بلشویکها را مشاهده کردند
تمام عساکر روس را که در سرحد افغانستان بود تقبل
رسانیدند کم کم آتش انقلاب در سرتاسر مملکت شعله
ور شد بقسمیکه کولوف فرماندهٔ عساکر ملیونکی مجبور شد
که در ۲۵ مارچ ۱۹۱۸ قرارداد صلحی با امیر انعقاد نماید

ولی بدخانه بلشویکها از شنایع اعمال خود دست
نکشیده در ۵ سپتمبر ۱۹۲۰ بخارای شریف بدست
عساکر بلشویکی افتاد امیر سید عالم خان که بدرانش
از سال ۱۷۸۱ در بخارا سلطنت میکردند مجبور شد بعده
قلیلی به افغانستان مهاجرت نماید عساکر سرخ
دست تعدی دراز کرده سرتاسر مملکت را غارت
کرده قریب ۵۰ هزار نفر را بی خانمان نمودند به قسمیکه
در سال ۱۹۲۱ تمام نفوس از مظالم و تعدیات بلشویکها
یکباره قیام کرده انقلاب سختی در مملکت تولید گشت

ابراهیم بیگ شیردل عساکر زیادی جمع آوری کرده
جنگهای خونینی با عساکر سرخ نمود بالاخره پس از
۷ سال محاربه بیگها توانستند یک نوع حکومت
موقتی در بخارا تشکیل دهند و امروزه سعی دارند که تمام
افتخارات ملی را از عادات اخلاق آداب
دین و مذهب خانواده و اجتماع نابود نمایند
تمام اهالی از اعلی تا ادنی از صمیم قلب هواخواه
امیر سید عالم خان بوده و آرزوی مراجعت او
را دارند حکومت سرخ تمام تشکیلات سابقه را برهم

زده وانرا مانند سایر جمهوری های شوروی از قبیل
ازبکستان ترکمنستان قره قلپاقستان تقسیم
نمود شهر شریف بخارا یعنی مکه آسیای مرکزی یکی
از ولایات جمهوری ازبکستان شد و خاندان امیر
در سال ۱۹۲۲ تبعید شدند سه نفر پسران امیر را بمسکو
فرستادند .

از آنجا که غرض اصلی از تأسیس مجمع بین الاقوام
حفظ حقوق ملل ضعیفه و حمایت از مستمندان میباشد
امیر بخارا رجاء واثق دارد که مجمع فوق الذکر باین

وضعیات اسف آور عطف توجه فرموده موجبات
تأمین بلاد و آسایش عباد را در این قسمت از آسیا
برقرار سازند

فصل سوّم

تاریخ زندگانی امرای بخارا

سید امیر عبد الاحد خان پسر امیر سیّد مظفّر خان
در سال ۱۸۵۹ در بخارا متولد شده از اوائل جوانی میل زیادی
به اصلاحات مملکتی داشت در سال ۱۸۸۳ برای
حضور در جشن تاجگذاری اسکندر سوّم بمسکو رفت

اقدامات مجدانه او در توسعه تجارت صنعت راه آهن
تلگراف وغیره او را مشهور خاص و عام گردانید و همچنین
برای تحکیم روابط دوستی ما روسیه از حکومت تزار
نوع درخواست نمود تا یک شعبه سیاسی روس در بخارا
تأسیس شود و بالاخره پس از ۲۶ سال سلطنت پر
افتخار در ماه فبروری ۱۹۱۱ در سن ۵۳ سالگی جهان
فانی را وداع نمود

امیر سید عالم خان : در ۱۵ محرم ۱۲۹۸ هجری مطابق
جولای ۱۸۸۱ میلادی در کرمینه متولد شد پس از اتمام

تحصیلات مقدماتی در سن سیزده سالگی برای تعلیم
فنون نظامی با مر پدر بزرگوارش بمسکو رفت هنگام
مراجعت ۱۲ سال در ولایت قرشی حکومت کرد
تا آنکه پس از وفات پدر بتخت سلطنت نشست
امیر سید عالم خان پس از ۹ سال سلطنت به عیش
و روری و عدالت گستری پس از حمله و هجوم بلشویکها و
جنگهای خونین بالاخره مجبور شد که در ۵ اپریل ۱۹۲۱ به افغانستان
مهاجرت نماید

یادداشت جنرال حاجی یوسف مقیم پای پیش از

ختم کلام لازم میدانم حسن استقبالیکه از تظلّم اعلیحضرة
امیر بخار در ژنو شد یادآوری نمایم محبت و
صمیمیّت نمایندگان فرانس ایطالی آلمان انگلستان
و ایران نسبت به این بنده فوق العاده در خور ستایش
بود نتایج مطلوبه این مسافرت را حضوراً به اعلیحضرت
امیر اظهار داشتم اعلیحضرت به نوبه خود پس از ابراز
قدردانی و حق شناسی از مجمع بین الاقوام مرا بار دوّم
روانه اروپا فرمود و بعضی دستخط ها بنام رؤسای
دوّل معظّمه به بنده اعطاء فرمود خوشبختانه این بنده

وظیفه خود را چنانکه باید و شاید انجام داده و اینک
آنرا به مسلمانان عالم عرضه میدارم تا از سرگذشت این
پادشاه و قوم بخت برگشته مطلّع شوند و از خوانندگان
تمنا دارم که در این وظیفه مقدسه ما را کمک فرموده تمام
بهتان ها و افتراهای روسیه بلشویکی را نسبت بما خالی از
حقیقت بدانند . جنرال حاجی یوسف مقیم پای

تمام شد

۱۹۲۱

فهرست کتاب - مقدّمه - فصل اوّل حزن الملل بخارا
جنگ بابلسویکها - جنگ ملا عبد القهّار با بلسویکها اطراف
بخارای شریف.

فصل دوّم - یادداشت امیر سید عالم خان به مجمع
بین الاقوام :- ۱- جغرافیای طبیعی ۲- تشکیلات
اداری و سیاسی. ۳- ثروت طبیعی ۴- حمله بلسویکها به بخارا

فصل سوّم - تاریخ زندگانی امرای بخارا. ۱- سیّد
امیر عبد الاحد خان ۲- سید امیر عالم خان ۳- یاد
داشت جنرال حاجی یوسف مقیم بای

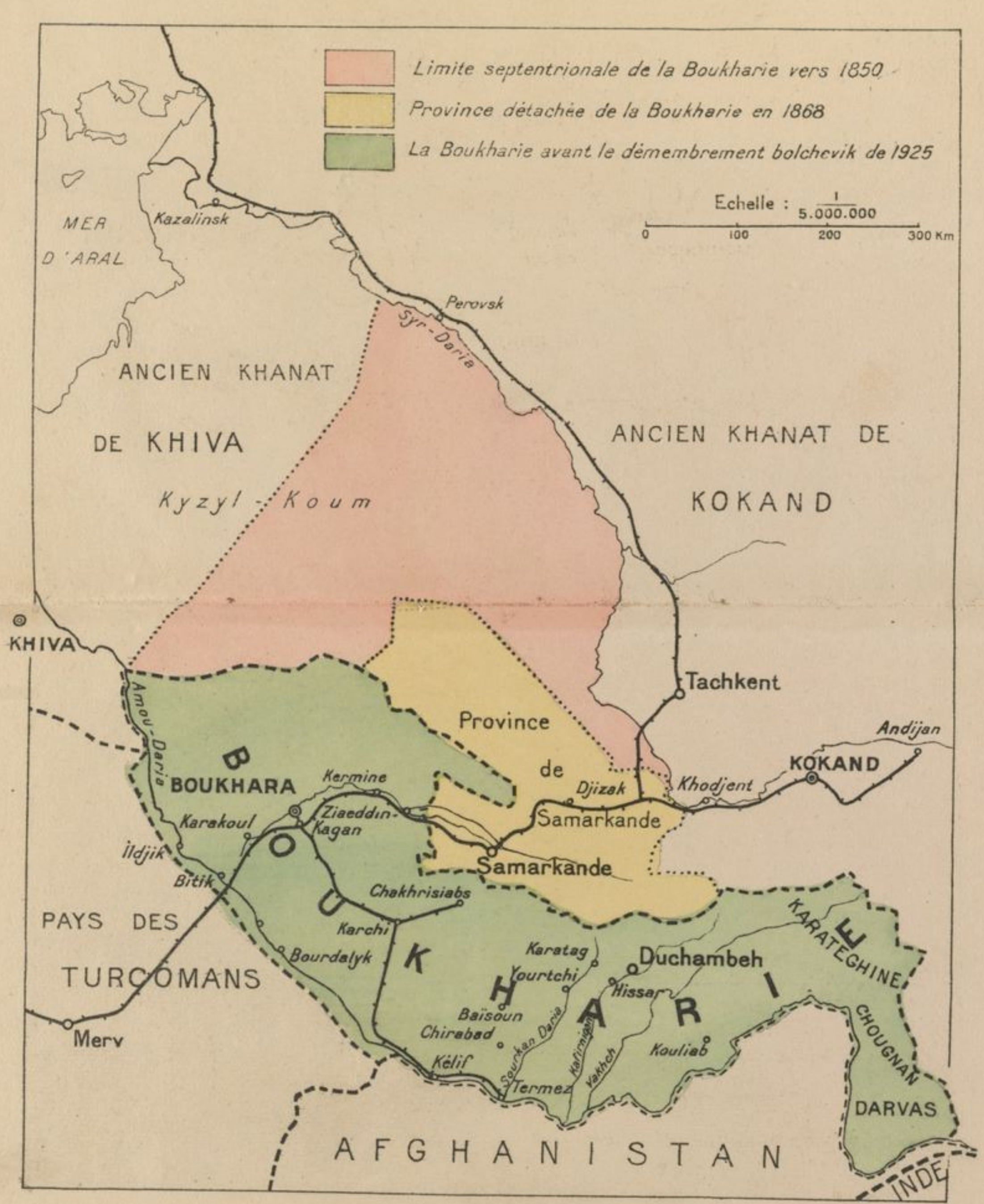
Limite septentrionale de la Boukharie vers 1850
Province détachée de la Boukharie en 1868
La Boukharie avant le démembrement bolchevik de 1925
Echelle : 1/5.000.000
0 100 200 300 Km
MER D'ARAL
Kazalinsk
Perovsk
Syr-Daria
ANCIEN KHANAT DE KHIVA
Kyzyl-Koum
ANCIEN KHANAT DE KOKAND
KHIVA
Amou-Daria
BOUKHARA
Kermine
Ziaeddin-Kagan
Karakoul
Ildjik
Bitik
Chakhrisiabs
Karchi
Bourdalyk
PAYS DES TURCOMANS
Merv
Province de Samarkande
Djizak
Samarkande
Tachkent
Khodjent
KOKAND
Andijan
BOUKHARIE
Karatag
Yourtchi
Duchambeh
Hissar
Baïsoun
Chirabad
Kélif
Sourkan Daria
Termez
Kafirnigan
Vakhch
Kouliab
KARATEGHINE
CHOUGNAN
DARVAS
AFGHANISTAN
INDE

2002-362443